

بزرگداشت هفتادمین سال تولد غلامحسین ساعدی
با حضور: جواد مجابی - عزت اله انتظامی - قطب الدین صادقی -
داریوش مهر جوئی - ناصر تقوایی - سیمین بهبهانی - رضا سید حسینی
و نجف دریابندری، در "علی اکبر ساعدی" برادر او برگزار شد.

میراث فرهنگی خبر

گروه گزارش _ سپیده جدیری: غلامحسین ساعدی (گوهر مراد) اگر
زنده می ماند امروز هفتاد ساله می شد و چه بسا رمان ها و
مجموعه شعرهایی نیز به کارنامه ادبی پرپارش اضافه می شد که
هنوز با وجود مرگ زودرس او برخی از ماندگارترین آثار حوزه ادبیات
داستانی و نمایشنامه ایران در آن وجود دارد.
مراسم بزرگداشت هفتادمین سال تولد خالق "عزادان بیل" و "ترس و
لرز" شب گذشته در منزل برادر او "علی اکبر ساعدی" برگزار شد.
اجرای این مراسم را "جواد مجابی" شاعر و نویسنده معاصر بر عهده
داشت که در فاصله سخنرانی ها بخشی از آثار، گفت و گوها و
یادداشت های گوهر مراد را نیز قرائت می کرد.
او اظهار امیدواری کرد که این مراسم سرآغازی برای برگزاری مراسمی
گسترده تر در بزرگداشت نویسنده بزرگ "چوب بدست های ورزیل" و
رساندن پیام او به گوش نویسندگان جوان باشد.
نخستین سخنران این مراسم، "فیروزه جوادی" (همسر برادر
غلامحسین ساعدی) بود که هفتادمین سالروز تولد گوهر مراد را تجدید
پیمانی با ادبیات ایران دانست.
پس از پایان سخنان فیروزه جوادی، جواد مجابی شعری را که به یاد
غلامحسین ساعدی سروده بود، برای حضار قرائت کرد.
سخنران دوم "عزت الله انتظامی" بازیگر برجسته و پر سابقه تئاتر و
سینمای ایران بود که به شرح خاطرات خود از مولف "آی با کلاه، آی
بی کلاه" پرداخت.
به زعم انتظامی بهترین نمایشنامه گوهر مراد، "چوب بدست های
ورزیل" است.
پس از او "آسیه جوادی" (همسر جواد مجابی) یادداشت تحلیلی خود
را درباره صداها و آواها در آثار ساعدی قرائت کرد.
او اظهار داشت: «آواها و صداها در آثار گوهر مراد به تناسب حادثه،
جایگاه و مضمون به نماد تبدیل می شوند.»

او این صداها و آواها را در گروه های صداهاي انساني، صداهاي حيوانات، صداهاي طبيعت، صدای اشیاء و صداهاي بي صدا دسته بندی کرد و به شرح ویژگی های هر يك از این گروه ها در آثار ساعدي پرداخت.

"نجف دریابندري" مترجم پر سابقه کشورمان نیز در این مراسم به پای تریون آمد و مختصري از آشنایی خود با نویسنده "واهمه های بي نام و نشان" و خاطراتش از او پرداخت.

"قطب الدین صادقي" کارگردان تئاتر ایران پنجمین سخنران مراسم بزرگداشت ساعدي بود که از دهه 40 به عنوان پربارترین دهه تئاتر ایران یاد کرد. او در این باره گفت: «دهه 40 به دو دلیل پربارترین دهه تئاتر ایران شد. یکی کودتای سال 1332 بود که سبب شد روشنفکران سرانجام به خود بیایند و بدین ترتیب ترجمه هایی از نمایشنامه های معروف جهان آغاز شد. دلیل دوم حضور چهره های برجسته در این دهه در تئاتر ایران بود که از آن جمله می توان از علي نصیریان، بهرام بیضایی، بیژن مفید و غلامحسین ساعدي نام برد. اما هیچ کس به جدیت ساعدي نبود. نگاه اجتماعی او یکی از بهترین برهه های تئاتر ایران را رقم زد.»

صادقي درباره نوع نگاه گوهر مراد در آثارش گفت: «ساعدي با نوعی فرهنگ سیاسی که ملهم از زادگاهش تبریز بود، تنها نویسنده ای بود که در آثارش بسیار کم درباره خودش حرف می زد و يك نگاه انتقادی بیرونی، اجتماعی، ابجکتیو و نیرومند داشت.»

او درباره نمایشنامه های ساعدي اظهار داشت: «ساعدي نمایشنامه هایی ساده، کم پرسوناژ، ملموس و فاقد مخارج زیاد نوشت که دستمایه ای برای کل جامعه تئاتر ایران شد. نمایشنامه های او آینه جامعه ایرانی در پانزده سال آخر حکومت پهلوي بود، مثلاً آی با کلاه، آی بی کلاه هراس جامعه را در آن دوران به خوبی به تصویر کشیده است.»

به گفته صادقي، رئالیسم آثار گوهر مراد هرگز به رئالیسمی شعاری نزدیک نمی شد بلکه بیشتر ناتورالیستی بود و درد را نشان می داد، نه راه حل را.

"داریوش مهرجویي" فیلمساز برجسته سینمای ایران نیز در این مراسم به سخنرانی پرداخت. او در ابتدای سخنان خود گفت: «دیگر زمان آن رسیده که نگاهی مجدد به آثار این نویسنده بسیار مهم مملکتمان

بیاندازیم. ساعدي چه در حوزه نمایشنامه نویسی و چه در حوزه داستان کوتاه نویسنده ای بسیار قدرتمند بود.»
مهرجویی درباره برخی از آثار منتشر نشده ساعدي گفت: «ساعدي در طول چند سالی که در پاریس به سر برد، يك سلسله داستان های کوتاه درباره قومی نوشت که در حال مهاجرت بودند که من امروز اثری از آنها نمی بینم. این آثار به نظر من قدرتمندترین نوشته های ساعدي بود.»

این کارگردان به شرح خاطره ای نیز از غلامحسین ساعدي در زمان ساختن فیلم "گاو" پرداخت و اظهار داشت: «فیلم گاو چه در سینمای قبل از انقلاب و چه بعد از آن فیلمی تعیین کننده بود و این نشانه روحیه عمیق ایران دوستی غلامحسین ساعدي بود که چنین داستانی را نوشته بود.»

پس از او، "جعفر والي" کارگردان و بازیگر با تجربه تئاتر ایران با اشاره به این که پانزده سال را شب و روز با ساعدي گذرانده و ده اثر او را به روی صحنه تئاتر برده بود خاطراتی را درباره نمایش چوب بدست های ورزیل و آی با کلاه، آی بی کلاه تعریف کرد.

"داود رشیدی" بازیگر تئاتر و سینما نیز با اشاره به این که در سه نمایشنامه غلامحسین ساعدي بازی کرده بود، گفت: «نمایشنامه های ساعدي از جهان بینی بزرگی برخوردار است که می توان آنها را در تمام نقاط و به زبان های مختلف اجرا کرد.»

"ناصر تقوایی" کارگردان با سابقه سینمای ایران نیز که فیلمی را بر اساس داستان "واهمه های بی نام و نشان" غلامحسین ساعدي ساخته بود، درباره تاثیر غلامحسین ساعدي بر پیشرفت و رشد کارهای خود گفت: «من بسیار خوش اقبال بودم که در دوران جوانی و از همان ابتدای کار با برجسته ترین هنرمندان مملکتمان آشنا شدم، چه در زمینه ادبیات، شعر، نقاشی و چه در زمینه های دیگر که این امر در رشد کارهای من بسیار موثر بود. یکی از این افراد غلامحسین ساعدي بود که پس از آمدن من به تهران به خاطر مطالبی که در مجله آرش سیروس طاهباز منتشر می کرد با هم آشنا شدیم.»

تقوایی با تاکید بر این که قصد دارد درباره آینده کار ساعدي سخنرانی کند، گفت: «دو گروه نویسنده وجود دارد، یکی نویسندگانی که تا زمانی که زنده اند به فکر آینده کار خود نیستند و دیگری نویسندگانی که میراث خود را با دقت تمام گردآوری و پاک نویس می کنند. متأسفانه

ساعدي از گروه اول بود. او احتمالاً بر اين باور بود كه اثر اگر بزرگ باشد خود ملت آن را نگاه مي دارد. اين البته با سرعتي كه امروز در تحولات فرهنگي وجود دارد، ديگر چندان صدق نمي كند.»
او از مجموعه داستان ترس و لرز به عنوان بهترين اثري كه درباره جنوب ايران نوشته شده است ياد كرد.

پس از اين كارگردان، "محمود دولت آبادي" نويسنده رمان معروف "كليدر" نيز از ساعدي به عنوان نويسنده ادبيات ناتمام ايران ياد كرد و گفت: « او كاشف آدم هايي بود كه هرگز ديده نمي شدند. وقتي به آثار ساعدي مراجعه مي كنم مي بينم او چيزهايي را ديده كه از تجربه من نيز خارج است.»

دولت آبادي درباره شباهت ساعدي با "آنتوان چخوف" نويسنده برجسته روس اظهار داشت: «در داستان هايي كه ساعدي به ويژه درباره جنوب ايران نوشته است، شخصيت ها تنها با نام خود معرفي مي شوند و هيچ توصيف موقعيت و وصف حالي وجود ندارد. اين داستان ها در نهايت خلاصه بودن و سادگي خود به گونه اي نوشته شده اند كه زماني كه كتاب را مي بنديد مي بينيد كه شخصيت هاي داستان هنوز در ذهن شما زندگي مي كنند و نمي توان آنها را فراموش كرد. ساعدي اين نوع را داشت كه از يك واقعيت كوچك هزار افسانه پيروزاند و از اين نظر تنها مي توان او را با چخوف مقايسه كرد.»
"رضا سيدحسيني" مترجم و محقق برجسته ايران آخرين سخنران مراسم بزرگداشت مولف "لال بازي ها" بود و درباره تبديل دوستي اش به برادري با غلامحسين ساعدي سخن گفت.

سيدحسيني با اشاره به اين كه او اولين داستان هاي ساعدي را در مجله "سخن" چاپ کرده و يادداشتي را نيز درباره لال بازي هاي ساعدي نوشته بود به شرح چند خاطره از غلامحسين ساعدي پرداخت.

